

هدیه ی برگ سبزگویا... برای زنان و مردان سرزمینم که در سرمای زمستان لقمه نانی ندارند و برای گرسنگی فرزندان خویش خاکستر درد میشوند.

خدایان ساطور بدست

وقتی آیه های قرآن زمینی شدند و خدا از سرزمین خورشید فرار کرد
من یکبار دیگر وقاحت بداندیشان را تجربه کردم که زنجیری داغی شد

برای ذوب کردن سپیده های رهایی

وقتی آیه های قرآن زمینی شدند

کتاب و کلمه را آتش زدند

و جاهلان بی پروا

جاهلانی که با زبان انسان بیگانه اند

خانه ی مرا به سرزمین وحشت مبدل کردند

وقتی آیه های قرآن زمینی شدند

جاهلان بی پروا ساطور به دست

برای سربریدن من به میدان آمدند

و مثل رهنان در تاریکی

برای ربودن سرمایه من که **آزادبست**

شبهه کشیدند

وقتی آیه های جهالت از تعفنزار چیزی بنام شورای شقاوت العلماء

نشخوار میشوند و سگان ولگرد در بازارهای سیاست

شبهه روسپی های سرگردان

از بستر شیخ های سیه پوش

تقاله های شهوت را مزه میکنند

و برای من که آزادی ام

فتوای جهالت می‌دهند.

خدایان ساطور بدست و عاصی از شهوت

مست غریزه‌ی حرص و آز

گوشت و پوست خواهر مرا می‌جووند و از نزول آیه‌های زندان خبر می‌دهند

خدایان ساطور بدست از تعفن‌زاز شورای شقاوت العلماء

فتوا می‌دهند که شهوت عاصی نامرد را کودکان بسیار باید!

ومن بایبست سکوت کنم و نگاه...

وقتی این نامردان مسلمان، عاصی شهوت میشوند

چسان تن کودکی را میدرند.

ومن باید سکوت کنم تا جهالت الریش از خون، عصیان شهوانی اشرا رام کند

خدایان ساطور بدست فتوا داده اند تا من در خیابان ظهور نیابم

و در حصار دیوارها از لواطت عاصی نامردان ریش دار بیخبر بمانم

تا او آرام و بدون هیچ دغدغه‌ی، با خون کودکان وضوء بگیرد

و من در حصار دیوارها از لواطت عاصی نامردان ریش دار بیخبر بمانم

و از شرابین مرتدان نشئه از طغیان شهوت

برایم مذكر بجویم تا مرا در خیابان همراه شود

اما من...

از مستی تریاک و خمار شرابه‌های دالریی خلاق آیه‌های جاهلان ساطور بدست

هراسی ندارم

آیه‌های زمینی ایکه فتوا میشوند و شمشیر کندی

برای سربریدن من

از تعفن‌زار جماعت العلماء.

شقاوت العلماء - شرارت العلماء، جهالت العلماء!

روزگاری بود خیلی دور
روزگاری که برادران تو بنام دین
زنان را ساحر گفتند و به آتش کشیدند
تا دیوار های کلیسا بلندتر شوند و ضخامت دیوار ها
سدی شوند در برابر صدا
اما...

دیوار های کلیسا تاب خون مادران را نداشت و فروریخت
آیه های زمینی تو تاب فریاد مرا نیز نخواهند داشت...

نادیه فضل

هشتم ماه مارچ 2012